

### گزارش خبری

در پی آتش‌سوزی بیمارستان قائم رشت

## ممنوعیت فعالیت بیمارستان

## و ۴ بازداشتی

**ایسنا:** بیمارستان خصوصی قائم(عج) رشت، حوالی ساعت ۱:۱۳:۱۰ بامداد سه‌شنبه، ۲۹ خرداد، دچار آتش‌سوزی شد که با تلاش نیروهای آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری رشت، این آتش‌سوزی به صورت کامل مهار شد.

بیماران بستری در این بیمارستان به‌طور کامل به سایر مراکز درمانی منتقل شدند، اما متأسفانه تعدادی از بیماران جان باختند.

رئیس دانشگاه علوم‌پزشکی گیلان با اشاره به حادثه آتش‌سوزی بیمارستان قائم در رشت گفت: بیمارستان به‌طور موقت تعطیل است و تا اعمال تعمیرات مربوطه و دریافت مجدد مجوزهای ایمنی، اجازه فعالیت ندارد.

دکتر محمدتقی آشوبی، بیمارستان قائم رشت را ۲۲۷ تختخوابه دانست و اظهار کرد: در زمان وقوع حادثه آتش‌سوزی در نخستین ساعات بامداد، ۱۴۲ بیمار در این بیمارستان خصوصی بستری بودند. در جریان وقوع حریق، با کمک نیروهای امدادی و اورژانس و هلال‌احمر ۱۱۸ بیمار را انتقال دادیم. میانگین سن فوتی‌ها ۷۶ سال بوده و هیچ کودکی را از دست نداده‌ایم؛ البته علت دقیق مرگ باید توسط پزشکی قانونی استان اعلام شود.

او با بیان اینکه در حال حاضر برخی از بیماران مرخص شده و تعدادی دیگر نیز در حال ترخیص هستند، اضافه کرد: تعدادی از بیماران همچنان به دستگاه وصل هستند، بنابراین تا بهبودی کامل بستری خواهند بود. همچنین پنج نفر از کادر درمان بیمارستان قائم بر اثر دود غلیظ بستری شده‌اند.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی گیلان اعتبار پروانه بهره‌برداری بیمارستان قائم را تا سال ۱۴۰۷ دانست و بیان کرد: برآورد اولیه خسارت ایجادشده در حال انجام بوده و بیمارستان به‌طور موقت تعطیل است و تا اعمال تعمیرات مربوطه و دریافت مجدد مجوزهای ایمنی، اجازه فعالیت ندارد.

آشوبی با اشاره به انتقال بیماران بیمارستان قائم به جای امن جهت ادامه خدمت‌رسانی گفت: ارائه خدمات درمانی به بیماران تا بهبودی کامل ادامه خواهد داشت و هیچ‌گونه هزینه‌ای از بیماران دریافت نمی‌شود.

حجت‌الاسلام‌المسلمین اسماعیل صادقی‌نبارکی، رئیس کل دادگستری استان گیلان نیز در حاشیه بازدید از بیمارستان قائم و در گفت‌وگو با خبرنگاران با ابراز تأسف از وقوع حادثه آتش‌سوزی، اظهار کرد: علت حادثه در دست بررسی است و هم از سوی سازمان آتش‌نشانی و هم از سوی پزشکی قانونی پیگیری می‌شود.

او با بیان اینکه تا روشن‌شدن همه ابعاد موضوع نباید پیش‌داوری کنیم، ادامه داد: ابعاد موضوع پس از اعلام نظر مراجع ذی‌صلاح، به نحوی دقیق به اطلاع مردم خواهد رسید.

رئیس کل دادگستری گیلان همچنین از تعیین قاضی ویژه برای پیگیری حادثه خبر داد و خاطر‌نشان کرد: قاضی ویژه تاکنون چهار نفر را در رابطه با این پرونده بازداشت کرده و نتیجه تحقیقات و بررسی‌های انجام‌شده، مشخص می‌شود.

**سمیرا سرجمی**؛ با یک کیف قهوه‌ای مندرس و تقریبا بزرگی که در آن همه چیز از دفتر، خودکار و کتاب تا سبک‌ار، فندک، کیف پول و… پیدا می‌شود، شهرهای زیادی را رفته تا بتواند جایی برای زندگی پیدا کند. اما نشده و نتوانسته؛ چون حقوقی را که از اداره فرهنگ و ارشاد می‌گیرد، نهایت پول جیبی است‌ تا پولی برای اجاره حتی یک اتاق. او سهیلا فردوس فیلم‌قصر به کارگردانی مسعود کیمیایی و اقدس داش‌آکل (در کنار بهروز وثوقی) است؛ دو فیلمی که بازی در آنها، از وی چهره زنی توانمند در سینمای قیل از انقلاب می‌سازد.

کیف قهوه‌ای‌اش را که سر‌شانه انداخته، سنگین است. می‌پرسم می‌خواهید کیف را بدهید برایتان نگه دارم؟ می‌گوید نه، من عادت دارم. کتاب‌هایم اگر نباشند انگار چیزی کم دارم. او فیلم‌هایی مانند تنگنا و صبح روز چهارم را در کارنامه بازیگری‌اش دارد که در جشنواره سیاس برنده جایزه شد. هزینه مجموعه اشعار او که تحت عنوان «با تشکی پیر می‌شویم» چاپ شده، آن زمان پنج هزار تومان بوده که بهروز وثوقی آن را پرداخت می‌کند. شعرهایی که ابراهیم گلستان هم از آنها به‌عنوان شعرهایی خوب و قوی نام برده است. او در سال ۵۲ در اعتراض به فضای فیلمسازی از سینما کناره‌گیری می‌کند.

شهرزاد، سبک‌ار را روشن می‌کند، موهای کاملا سفیدش را زیر شال سیاه پنهان می‌کند و می‌گوید: هرچقدر کمتر پیر به نظر برسم حس بهتری دارم و می‌خندد. از آن کیف، عکس فردین را بیرون می‌آورد، نشانم می‌دهد و می‌گوید آن سال‌ها این مرد و بازی‌اش در سینما بسیار طرفدار داشت؛ به‌طوری‌که وقتی بازیگر فیلمی بود، جلوی سینما برای تماشای آن فیلم صف می‌کشیدند. من هم طرفدارش بودم، هنوز هم هستم. «کبری سعیدی» ملقب به «شهرزاد»، از ترمینال خوابی، چمن‌خوابی و پارک‌خوابی روی نیمکت حرف می‌زند؛ از اینکه جایی را برای زندگی پیدا نمی‌کرده و تقریبا هنرمندان یادی از همکاری‌شان نکرده‌اند، به‌جز پوری بنایی که بازیگر فیلم مریم و مانی بوده. فیلمی به کارگردانی خودش یعنی شهرزاد که باعث می‌شود عنوان اولین کارگردان زن در ایران را به خودش اختصاص دهد. از شمال تا جنوب ایران را با اتوبوس طی کرده و هر بار مجبور شده همان کیف قهوه‌ای را بردارد و به شهر دیگری برود؛ گاهی به دلیل اجاره‌های بالا و گاهی بدقلقی صاحبخانه برای بالابردن کرایه. قرار می‌شود مستندی در کوهپایه ساخته شود. عوامل فیلم مستند او را پیدا می‌کنند و مدتی در کوهپایه و کرمان ساکن می‌شود. شهرزاد می‌گوید این بار سرنوشت داستان تازه‌ای را برایش

### سرگذشت ستاره سینمای قبل از انقلاب در حوالی شهر گلیم ایران

# قصه «شهرزاد» آواره



رقم می‌زند؛ داستانی که این بار چالش‌های کمتری دارد و تا الان که هفتاد و چند سال دارد، در خواجه‌شهر شهرستان سیرجان از شهرهای استان کرمان ساکن می‌شود. ساکن در اتاقی متعلق به یک خانه تقریبا بزرگ که صاحبخانه‌اش جنوبی است و آن را به شهرزاد اجاره می‌دهد. اجاره‌ای که تقریبا نسبت به اجاره‌بهای سایر خانه‌ها در سیرجان کمتر است، اما باز هم برای کبری سعیدی هزینه زیادی است. چندین بار در خانه را می‌زنم، همسایه‌شان رد می‌شود و می‌گوید بیشتر وقت‌ها خواب است، اگر با یک سنگ کوچک در بزنی شاید متوجه شود. خواجه‌شهر همه او را می‌شناسند. کافی است وارد خواجه‌شهر شوی و بگویی خانه شهرزاد کجاست. آدرس را حفظ هستند و ساختمان‌ی را که نمای سفالی دارد، نشان می‌دهند.

خواجه‌شهر از توابع سیرجان، شهری سرسبز با جمعیتی اندک است که قلعه بی‌بدن و گلیم نمادهای معرفی این شهر هستند. شهرزاد بی‌بی‌دن را می‌شناسد و می‌گوید همین که فهمیدم اینجا قلعه‌ای به این نام وجود دارد، راجع بهش خواندم و این شهر را بیشتر دوست داشتم. همسایه شهرزاد همچنان کنارم ایستاده تا بالاخره شهرزاد بیدار شود و در را باز کند. به نظر می‌آید برای او شهرزاد زنی است تابوشکن که برای شهر کوچکی مثل آنجا چندان تناسب ندارد. از لباس پوشیدنش می‌گوید تا پرفت‌وآمدبودن خانه‌اش که می‌آیند به او سر می‌زنند، عکس یادگاری می‌گیرند و… بعد از نیم‌ساعت شهرزاد در را باز می‌کند. خودش، لباس‌هایش و موهایش خیس است، انگار که حمام رفته. خوشامد می‌گوید و خواهش می‌کند که منتظر بمانم تا لباس‌های خیس را عوض کند و بعد بروم داخل. می‌گوید بفرما داخل، دست می‌دهم، روبوسی می‌کنم و می‌پرسم من براتون آشنا نیستم؟ انگشتش را به حالت فکرکردن می‌گذارد. روی پیشانی و می‌گوید از وقتی دیابت گرفته و مریض احوال است حافظه‌اش خیلی ضعیف شده. با یادآوری روزی که برای اولین بار برای هفته‌نامه سخن تازه سیرجان گفت‌وگو کردم، کمی به آن روز نزدیک می‌شود و می‌گوید چه سالی بود؟ ۹۸. تابستان ۹۸ که شما اینجا ساکن بودید. می‌گوید البته در خانه‌ای دیگر، خانه‌به‌دوشی را تقدیر دقیقا برای من نوشته. لباس‌های خیس را می‌اندازد روی طناب میان حیاط. اتاق یک کولر کوچک دارد که هنوز صاحبخانه یا کس دیگری نیامده برایش راهش بیندازد. هوا گرم است و آب ریخته روی بدنش تا خنک شود. یک تخت‌خواب کوشه دیوار است که به نظر می‌آید بیشتر وقتش را اینجا دراز می‌کشد؛ چون مثل قدیم توانایی برای برو و بیا ندارد. شماره قند خونش ۵۰۰ بوده و یکی از دوستان او به نام خانم خواجویی با مشورت یک پزشک برایش دارو گرفته. خواجویی یادآوری‌اش می‌کند که قرص‌ها را فراموش نکرد. می‌گوید یادم هست نگران نباش. سمت دیگر

اتاق یک میز و صندلی پلاستیکی زردرنگ است که دفتر و خودکار شهرزاد روی آن گذاشته شده. می‌پرسم هنوز هم اهل نوشتن هستی؟ شعر جدید نداری که برایمان بخوانی؟ انگشت دستش را نشان می‌دهد که بر اثر زخم عفونت کرده و نمی‌تواند خودکار به دست بگیرد. چند وقت پیش زمین می‌خورد و این زخم به خاطر دیابت تا امروز خوب نشده و تازه است. از سر جایش بلند می‌شود که برای پذیرایی قهوه درست کند. قهوه را پیشنهاد می‌دهد و خودش می‌گوید البته شما چایی‌دوست هستید، من آن سال‌ها پدرم قهوه‌خانه داشت و پاتوقم آنجا کنار پدرم بود، برای همین اگر قهوه نخورم انگار روز برابم شروع نشده. آشپزخانه فقط یک اجاق گاز تقریبا کهنه دارد.

گوشه آن چند نایلون خرید گذاشته شده؛ سیب‌زمینی، پیاز، یک خربزه، کمی برنج و یک روغن. چند خیاب و کوجه دارد، می‌گوید دلم سالاد شیرازی می‌خواهد، درست می‌کنی؟ می‌گویم با کمال میل. روی تخت‌خواب دراز می‌کنم. همان موقع فردی از اصفهان تماس می‌گیرد و با خوشحالی از اینکه شهرزاد را پیدا کرده و صدایش را می‌شنود، آن‌قدر بلند حرف می‌زند که صدایش را می‌توان شنید. شهرزاد خانم من عاشق فیلم‌هایی بودم که شما

بازی کردید. راجع به اتفاقاتی که برای شما افتاده زیاد خواندم. این‌قدر ناراحتم، دلم می‌خواهد بیاید اصفهان در کنار خانواده ما باشید. خواجه‌هایم شما را خیلی دوست دارند و می‌گویند اگر بیاید اجاره خانه‌تان را خودمان خواهیم پرداخت. شهرزاد با اینکه عرق کرده از شدت گرمای اتاق، با شخص پشت گوش‌ی خوش‌بویش می‌کند و تشکر می‌کند از اظهار لطفش. کتاب‌هایی که نوشته و چاپ کرده روی طاقچه هستند که می‌گوید اگر اینها جلوی چشم‌تان باشند انگار گمشده‌ای دارم. من از اولین زن‌های ایران بودم که نویسندگی را انتخاب کردم و بعد شدم اولین کارگردان. از احمدرضا احمدی می‌گوید و علاقه‌ای که به شعرهایش داشته و هنوز دلش می‌خواهد کتاب‌هایش را بخواند. از مجلات فیلم‌های سینمایی می‌گوید که حتی یک شماره را هم از دست نمی‌داده و باید تحت می‌شرایطی می‌خرید. با افسسوس سری تک‌ان می‌دهد و می‌گوید الان باید یک مجله و کتاب را زد تا گرسنه نمانی. درصورتی‌که من اگر یک تلویزیون کوچک و چند مجله داشتم، اصلا حوصله‌ام سر نمی‌رفت. آن‌قدر از سینما پرت شدم که حتی یک بازیگر را هم نمی‌شناسم. نه به اسم و نه به تصویر. خانم خواجویی که رفیق گرمابه و گلستان شهرزاد است، قرصش را با آب می‌آورد که فراموش نکند. می‌پرسد شام چی براتون درست کنم؟ جواب می‌دهد که الان دلم اسپاگتی جرب و خوشمزه می‌خواد، اما خیلی گرسنه‌ام، وقت نمی‌شود درست کنی. خانم خواجویی با همدلی می‌گوید الان شام را فراهم می‌کنم، نگران نباش. از آنجایی که گرسنگی ناشی از دیابت امان نمی‌دهد، شروع می‌کند به خوردن چند شکلات که زیر تختخواب قایم کرده تا دوستش برگردد و شام بیاورد. سکوت می‌کند و کمی بعد می‌گوید اگر از من بپرسی که شهرزاد همین الان چه آرزویی داری؟ می‌گویم دلسم برای خواهرم لک زده.

برای خودش، صدایش. همان خواهری که آلمان است و من مدتی پیشش زندگی می‌کردم. گوش‌ی را برمی‌دارد و شماره خواهرش را نشان می‌دهد که چند روز پیش با هم تلفنی حرف زده‌اند و الان دوباره دلتنگش است، می‌گوید هر صبح که از خواب بیدار می‌شوم سرگرمی‌ام این است که گوش‌ی را چک کنم تا بالاخره صدای خواهرم را بشنوم. اشک‌هایش را از کنار چشمش پاک می‌کند، می‌گوید اگر می‌خواهی عکس بگیری آن برس را بده که موهایم را مرتب کنم. آینه را برمی‌دارد، موهایش را شانه می‌کند و در حالی که مشغول شکل‌دادن به موهایش است، می‌گوید هنرمندان تنها صنفی هستند که هیچ‌وقت از هم حمایت نمی‌کنند. اگر بازیگری آمد و به شهرتی رسید اما بنا بر هر دلیلی از پرده سینما کنار رفت، از نظرشان اصلا از اول چنین شخصی وجود نداشته. این را که کجا رفت و سرنوشتش چه شد، سؤال بپهوده‌ای می‌دانند.

## مسببان آتش‌سوزی شناسایی می‌شوند

افراد در زمینه بروز حریق بیمارستان قائم(عج) رشت گفت: برای برکناری مدیر این مرکز درمانی تصمیم گرفته شد.

او با اشاره به پیگیری و بررسی زوایای مختلف این حادثه در نشست شورای تأمین استان اضافه کرد: دستگاه‌های مختلف نسبت به ارائه گزارش اقدام کردند که در این گزارش‌ها به‌طور مشخص قصور برخی از افراد مشخص شده است.

سرپرست معاونت پارلمانی ریاست در ادامه با بیان اینکه کار کارشناسی در زمینه ریشه‌یابی علت این حادثه توسط دادستان گیلان پیگیری می‌شود، اضافه کرد: در این نشست‌ها با حضور دستگاه‌های مختلف، تصمیماتی گرفته شده و بر این اساس به‌طور قاطع و جدی با همه عواملی که ترک فعل داشته و در حوزه‌های نظارتی وظایف‌شان را انجام نداده‌اند، برابر قانون برخورد خواهد شد.

حسینی‌پور ضمن تسلیت به خانواده‌های جان‌باختگان حادثه آتش‌سوزی بیمارستان قائم(عج) اظهار کرد: سرپرست ریاست جمهوری بر رسیدگی به بیماران و خانواده‌های جان‌باختگان تأکید جدی داشت و در این ارتباط دستوراتی داده و اقدامات لازم انجام شد. با این اقدامات، بازسازی و فعالیت دوباره بیمارستان قائم(عج) رشت با مدیر جدید و مورد تأیید دانشگاه علوم‌پزشکی به‌سرعت از سر گرفته می‌شود و این مرکز درمانی فعال خواهد شد.

#### نگاه

## شیوه‌نامه‌ای برای

## مواجهه با

## سقط قانونی جنین

**ایلنا:** رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت از برگزاری ششمین جلسه «کارگروه پیشگیری و مقابله با سقط عمدی جنین» در ستاد وزارت بهداشت خبر داد و گفت: در این جلسه مقرر شد تا مقدمات تدوین شیوه‌نامه چگونگی مواجهه با درخواست سقط قانونی جنین در موارد چندقلویی، ناشی از درمان ناباروری و موارد الیگوهیدروآمینوس در چارچوب موازین شرعی و قوانین مرتبط ازجمله ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با همکاری سازمان پزشکی قانونی، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و دبیرخانه ستاد ملی جمعیت آغاز شود.

صابر جباری گفت: «کارگروه پیشگیری و مقابله با سقط عمدی جنین» با هدف دستیابی به اهداف ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۲ در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل شده است.

وی افزود: از مهم‌ترین مصوبات ششمین جلسه این کارگروه تقویت همکاری و تعامل بین معاونت درمان و اداره کل حقوقی، املاک و تنظیم مقررات درخصوص حل‌وفصل مشکلات مرتبط با تنظیم گزارش‌های تخلفات سقط عمدی جنین به منظور صدور احکام قضائی مبتنی بر تبصره ۴ ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و نیز ابطال پروانه فعالیت پزشک یا ماما یا داروفروشی که خارج از مراحل این ماده وسایل سقط جنین را فراهم یا مبادرت به سقط جنین کنند، بود.

وی ادامه داد: همچنین در این جلسه مصوب شد که به منظور حساس‌سازی بیشتر دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی کشور، در یکی از نشست‌های صبحگاه نظارت معاونت درمان از استادان مربوطه دعوت شود تا اهمیت موضوع برای مدیران نظارت بر درمان سراسر کشور یادآوری شود.

رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت اظهار کرد: در این جلسه مقرر شد تا مقدمات تدوین شیوه‌نامه چگونگی مواجهه با درخواست سقط قانونی جنین در موارد چندقلویی، ناشی از درمان ناباروری و موارد الیگوهیدروآمینوس در چارچوب موازین شرعی و قوانین مرتبط ازجمله ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با همکاری سازمان پزشکی قانونی، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و دبیرخانه ستاد ملی جمعیت آغاز شود. جباری بیان کرد: همچنین به منظور تسریع روند اصلاحات محتوای درس بهداشت و تنظیم خانواده مربوط به رشته مامایی و تغییر عنوان آن به‌عنوان باروری سالم و جمعیت، در این جلسه از دبیر بورد مامایی و بهداشت باروری نیز دعوت به عمل آمد. بنا بر اعلام وزارت بهداشت، در ششمین جلسه «کارگروه پیشگیری و مقابله با سقط عمدی جنین» که اولویت‌های پیشنهادی سال ۱۴۰۳ نیز ارائه شد، علاوه بر دکتر جباری به‌عنوان رئیس و دکتر طاولی به‌عنوان دبیر، رئیس مرکز حراست و نمایندگانی از معاونت‌های درمان، آموزشی، تحقیقات و فناوری، سازمان غذا و دارو، دفتر بازرسی، ارزیابی عملکرد و پاسخ‌گویی به شکایات، مرکز روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی، اداره کل حقوقی، املاک و تنظیم مقررات، مرکز مدیریت آمار و فناوری اطلاعات، دفتر طب ایرانی، دفتر آموزش و ارتقای سلامت وزارت بهداشت و نیز برخی از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به تناسب موضوع حضور داشتند.



**بسته های جادویی کتاب حامی**

من یک حامی هستم

**سه، پنج، ده**

**تکنیک جادویی کتاب حامی است!**

**انجمن حامی در کنار شماست، تا با غمها و شادی‌هایتان یک اثر جاودانه خلق کنید!**

**برای دریافت اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید:**

**تلفن: ۰۲۱۸۸۱۴۱۶۴۹ (داخلی ۱۱۰- کارگروه کتابخانه)**

**من یک حامی هستم**

hamiassociation.org  
@hami\_association  
۰۲۱-۸۸۱۴۱۶۴۹ Tel:  
۰۲۱-۸۸۸۴۳۸۹۷ B

**انجمن حامی** حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی